

## بررسی ساختار بسمله و تحمیدیه دیباچه های برخی کتب تاریخی منثور فارسی از قرن چهارم تا پایان قرن چهاردهم هجری قمری

### محمدآثنی عسری

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

### داریوش کاظمی (نویسنده مسئول)

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

### مریم شایگان

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۸ شماره ۶۸ - صفحه ۱۸۲-۱۵۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۵

### چکیده

رسم براین بوده است که نویسنده قبل از شروع متن اصلی خود، بخشی را می آورد که در حکم آستانه و دروازه ورود به متن اصلی بوده و بانام هایی چون: دیباچه، آغازایه و... خوانده می شده است. این رسم از کهن ترین دوران و در قدیمی ترین آثار، وجود داشته و همچنان کم و بیش و با تغییراتی نسبت به قبل از قرن چهاردهم هجری قمری، دیده می شود. هر چند امروزه، مقدمه نویسی، بیشتر رواج یافته است. بخشی از این دیباچه ها شامل شروع بانام خداوند (بسمله) و تحمید باری تعالی است که در این تحقیق، مورد بررسی قرار گرفته اند. تعدادی اثر به صورت کاملاً اتفاقی در موضوعاتی چون: تاریخ، جغرافیا، نجوم، طب، عرفان، فقه و کلام انتخاب شد و مورد تحلیل قرار گرفت. بررسی های به عمل آمده بر روی این بسمله ها و تحمیدیه های مختلف و متعلق به رشته های علمی گوناگون، مشخص کرد که هر چند آنها متعلق به دوران مختلف، سبک های متفاوت، نویسندگان گوناگون، فرهنگ های مختلف و گاه متضاد با هم هستند و در ظاهر شاید با هم تفاوت بسیار داشته باشند اما نوعی وحدت در آنها موجود است که به چند ساختار مشابه، منتهی می شود. لازم به ذکر است که بررسی ساختاری در این تحقیق به معنی بررسی ساختار بسمله ها و تحمیدیه ها از نظر داشتن یا نداشتن ۱- بسمله و آغازگری (مقدمه)، ۲- تحمیدیه (بدنه) و ۳- بستر نهایی (مؤخره) می باشد. مقدمه، همان شروع بانام خداوند و گفتن بسم الله الرحمن الرحیم و... بدنه، همان تحمید خداوند بلند مرتبه و مؤخره، ختم کلام و آمادگی برای ورود به نعت و ستایش پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین است.

کلید واژه: بسمه، تحمیدیه، کتب تاریخی

## مقدمه

بررسی ساختاری و ساختارهای متون، کاریست که بارها و به شکل های مختلف هم انجام شده است نه تنها این نوع بررسی هادرتون ادبی رواج دارد بلکه در علوم مختلف، متون و آثار گوناگون هم دیده می شود از جمله بررسی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و... همیشه هدف در این نوع بررسی ها رسیدن به ساختارهای واحداست تا بتوان بر طبق آن، نظریه ای را طرح و اثبات کرد. در مباحث نقد و انتقاد هم بررسی ساختارها به چشم می خورد. انواعی از نقدها وجود دارد که تکیه اصلی آنها بر ساختار و بررسی ساختاری است. از جمله نقدهای فرمالیستی و ساختارگرایی. «آنان (فرمالیست ها) اثر ادبی را شکل (فرم) محض می دانستند و معتقد بودند که در بررسی اثر ادبی تکیه باید بر فرم باشد نه محتوا... به مجموعه عناصری که بافت و ساختار اثر ادبی را به وجود می آورد شکل (فرم) می گویند.» (شمیسا، سیروس، صص ۱۷۴ و ۱۸۳) «در ساختارگرایی تکیه بر توضیح ساختارهاست و در نیل به این اهداف است که بر اجزا و ارتباط آن ها با هم و کلیت ساختار تکیه می کنیم.» (همان، صص ۲۰۸) همه و همه در جهت بررسی ساختاری و رسیدن به ساختارهایی، متن ها را مورد نقد و بررسی نقادانه قرار داده اند.

تحلیل، بررسی و مقایسه آثار، به صورت کلی و یا جزئی، افق های جدیدی را از دانش در مقابل دیدگان خوانندگان می گشاید که می توانند به شناخت های مختلف منجر شود از جمله شناخت مسائل ادبی، علمی و....

ضرورت پرداختن به این موارد، کاملاً مشهود است. هر کتاب اعم از علمی و ادبی، برای جذب مخاطب و اینکه او را به درون کتاب هدایت کند صفحات آغازین را تزئین می کند. این صفحات، علاوه بر زینت بخشی، بانام خداوند تبارک و تعالی نیز تأییدی شوند و برتری می یابند. دو مسئله به وجود می آید یکی حمد خداوند و دیگری مسئله زیبایی و ورود به کتاب، که برای دعوت خواننده و بردن او به متن نوشته می شود. گردهم آمدن بخش هایی مفید و خاص از کتب مختلف با موضوعات متعددی

تواند راهنمایی باشد برای همه افرادی که می خواهند هر چیزی را و هر موضوعی را چه مکتوب و چه غیر مکتوب آغاز کنند.

بسمله (آغازگری) و تحمیدیه از جمله مواردی هستند که در آغاز انواع آثار با موضوعات گوناگون، وجود دارند و قابل بررسی می باشند. شروع بانام خداوند یکتا و بی همتا و همچنین حمد و ستایش او، سرآغاز همه کارهاست. این ستایش ها شروع آثار مختلف را ازنجیرواربه هم ارتباط می دهند و هر چند در ظاهر فقط ستایش خداوند متعال می باشند اما بنابه علوم مختلف و سبک هرنویسنده، تفاوت های بسیاری در آن هادیده می شود که ارزش بررسی و تحلیل آنها را ایجاد و لازم می نماید.

در این پژوهش آنچنان که قبلاً بیان شده است؛ منظور از بسمله، الفاظ آغازگری است یعنی آمدن واژگانی که دلالت بر شروع بانام خداوند دارند مثل: بسم الله الرحمن الرحیم و... و یا ترجمه ای از آن هستند و تحمیدیه آن بخشی است که به حمد و ستایش باری تعالی می پردازد و در بیشتر موارد با واژگانی چون: حمد، ستایش، ثنا، تمجید و... شروع می شود.

بررسی پاره ای از این موارد در آثار مختلف و مقایسه آنها باهم، باعث به وجود آمدن آثاری مفید و خاص بر اساس موضوعات مختلف می گردد که کارمراجعه کنندگان و کسانی را که دنبال موضوعات جزئی با عناوین مختلف هستند آسان ترمی کند. همچنین تحلیل و بررسی آثار با موضوعات گوناگون، مخصوصاً از جنبه هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته و در آن زمینه کار نشده است ضرورت انجام چنین تحقیقاتی را بیشتر کرده و به آنها اهمیت فراوان می دهد.

جست و جوی اطلاعات سایت های پایان نامه ها، رساله ها، کتب، مقالات و... نشان می دهد که پژوهش ها و تحقیقات متعددی برآغازیه ها، دیباچه ها و بسمله های آثار منظوم و مثنوی فارسی از دیدگاهها و دریچه های مختلف صورت گرفته است از جمله، مقاله «تأثیر ساختاری سه گانه سوره حمد بر آغازیه های نظم و نثر فارسی» از آقای غلام رضا معروف، مقاله بررسی ساختار و محتوای آستانه سرایی در منظومه های فارسی تا قرن ششم» از آقای مهدی دهرامی، کتاب «دیباچه نگاری درده قرن» از دکتر ضیاءالدین سجادی، مقاله «بسمله» از خانم لیلا هوشنگی و... اما اهداف پژوهش حاضر با همه آنها متفاوت بوده و در پی کشف ساختار یا ساختارهای واحدی می باشد.

تحلیل و بررسی آثار منثور فارسی، همیشه مورد توجه دانشجویان و محققان، قرار داشته است. پژوهش حاضر می‌خواهد ساختار و محتوای بسمله تعدادی از آثار منثور را با موضوعات مختلف و متعلق به دوران متعدد، از قرن چهارم تا پایان قرن چهاردهم هجری قمری مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا زوایای تازه و افق‌های جدیدی را بگشاید. در ضمن لازم به ذکر است که بسمله، در این تحقیق، شامل آغازیدن با نام خداوند (گفتن بسم الله) و تحمید (حمد و ستایش خداوند) می‌باشد.

داده‌های علمی و تحقیقی این پژوهش از طریق فیش برداری به شیوه توصیفی - تطبیقی و برپایه منابع کتابخانه‌ای و دیجیتال، گردآوری می‌شود؛ سپس داده‌های به دست آمده دسته‌بندی، توصیف و نهایتاً تحلیل خواهند شد. برای این اساس می‌توان گفت روش تحقیق در پژوهش حاضر، توصیفی و به شیوه تحلیل محتواست؛ بدین شکل که ابتدا بسمله تعدادی اثر، در موضوعات مختلفی چون: تاریخ ایران اسلامی، جغرافیای جهان اسلام، حکمت اسلامی، طب سنتی و اسلامی، عرفان، فقه، کلام، نجوم در اسلام ایران، بدون هیچ گونه برتری انگاری، انتخاب شد و سپس مورد بررسی قرار گرفت تا نشان دهد ساختار بسمله‌ها و تحمیدیه‌ها در ابتدای دیباچه‌های برخی آثار منثور فارسی چگونه است؟ با بررسی چندین اثر، به چه ساختار یا ساختارهای واحدی خواهیم رسید؟

لازم به ذکر است که کتب مورد بررسی در این پژوهش، از نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در قم انتخاب شده‌اند. اطلاعات کامل و جامع این نرم افزارها در بخش منابع بیان شده است.

۲-۴-۱- دیباچه: در فرهنگ‌های لغات و همچنین در کتب، مقالات و نوشته‌های گوناگون، تعاریف و معانی متعددی در باب دیباچه، ذکر گردیده است که حاصل تحقیقات، دیدگاه‌ها و نظرات محققان و نویسندگان آثار، به عرصه نمایش گذارده می‌شود. به طور خلاصه، دیباچه از دو بخش «دیبا» و «چه» تصغیر ساخته شده است.

«دیبا» به معنای «قماش» باشد از حریر الوان. (برهان). قماش است ابریشمین در نهایت نفاست. (برهان ذیل طراز). و دیبه حریر نیک و دیباچ معرب آن است. (انجمن آرا). حریر نیک. (آندراج) نوعی از جامه

ابریشمی و منقش باشد. (غیاث) (آنندراج). جامه ابریشمین، دیباه و دیبه نیز گویندش. تعریبش دیباچه و تازیش حریر بود. (شرفنامه منیری)... مجازاً «نوشته نیک، لطیف و ظریف» (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه دیبا)

«مرحوم دکتر محمد معین در حواشی برهان قاطع ذیل «دیبا» نوشته است: «در پهلوی دیباک Depak از هندی باستان: دیپ، دیپپاته Dip، Dipyate (زبان کشیدن، پرتوافکندن، درخشیدن) ارمنی دیباک، که وجه اشتقاق آن معین نیست. در فارسی دیباه، دیبه و دیباچه و دیوان از همین ریشه است، معرب آن دیباچه است، جزء اول آن dep dep آن را از ریشه dup سومری (لوحه، خط) و دوپ duppu اکدی گرفته اند.» (سجادی، سید ضیاء الدین، ۱۳۷۲، ص ۵) البته به نظرمی رسد نظر علمی دکتر محمد معین بر سایر نظرها، برتری داشته باشد.

«مرحوم پورداوود در فرهنگ ایران باستان «دیباچه» را به کلمه دیپی و دیپور و دوپ معنی لوحه و خط هم ریشه دانسته با کلمات: دبستان، دبیرستان، دیبا، دیباه، دیبه و دیوان هم ریشه و از یک خانواده می داند.» (همان)

«دیباچه یعنی خطبه و سرآغاز و عنوان کتاب در نظر نویسندگان و ادیبان و سخن پردازان در دوران های مختلف ادبی و علمی، مهم و قابل توجه بوده و غالباً بیشتر هنر و مهارت نویسنده خود را در دیباچه نگاری به کار می برده اند از حمد و ستایش خداوند بزرگ و سپاس نعمت های او و نعت پیامبر اکرم (ص) آغاز کرده و پس از آن به ذکر غرض تصنیف و تالیف کتاب و سایر خصوصیات آن می پرداختند.» (سجادی، سید ضیاء الدین، ۱۳۷۲، ص ۸)

«دیباچه نویسی پیشینه ای به قدمت متون ادبی و تاریخی دارد یعنی مورخان و ادیبان همزمان با نگارش متن، عموماً دیباچه یا مقدمه را در ابتدای اثر خود می نوشتند کمتر متنی را می توان یافت که دیباچه یا مقدمه نداشته باشد» (رشتیانی، گودرز، ۱۳۹۰، ص ۴۰)

اولین برخورد و تماس خواننده و نویسنده در دیباچه صورت می گیرد تا راه ورود به متن را برای خواننده باز کند. هنر نویسنده است که بتواند او را به متن جذب کند و یابا اینکه نیمه برش گرداند.

دیباجه عکس العمل خواننده رانسبت به متن تعیین می کند نویسنده خود و اندیشه و تفکرش را قبل از متن، در دیباجه بر خواننده عرضه کرده تا شاید احساس الفت و انسی به وجود آید و خواننده دست از متن برداشته پادراستانه گذارد و داخل گردد.

«تقریباً تا آغاز قرن چهاردهم هجری قمری این نوع دیباجه نگاری متداول بوده و در قرن چهاردهم مقدمه نویسی معمول شده به خصوص در کتاب‌هایی که تصحیح و تحقیق در آنها انجام گرفته که غالباً خطبه کتاب کوتاه تر و موجز تر است اما کیفیت تحقیق و تصحیح و شرح حال مولف یا مصنف اصلی و موضوع کتاب و سبک و شیوه نگارش و اهمیت کتاب مفصل تری بحث شده و گاهی مقدمه به تناسب اهمیت کتاب و تحقیق در آن صفحات بسیاری را اشغال کرده است.» (سجادی، سید ضیاء الدین، ۱۳۷۲، ص ۱۱)

۲-۴-۲- بسملة. [ب م ل ل ع مص] مصدر جعلی مانند حمدله و حوقله. بسم الله گفتن. (از اقرب الموارد) (از منتهی الارب) (از ناظم الاطباء) بسم الله الرحمن الرحيم گفتن. (از زوزنی) (فرهنگ نظام). مصدر منحوت از بسم الله الرحمن الرحيم گفتن. (آنندراج). بمعنی بسم الله الرحمن الرحيم گفتن. (غیاث). || بر زبان آوردن جمله بسم الله... || در نزد مسیحیان: بسم الاب والابن و روح القدس. و در نزد مسلمانان بسم الله الرحمن الرحيم. (از اقرب الموارد) «لغت نامه دهخدا، ذیل واژه بسملة بسملة: [ب م ل ل ع ا] مخفف بسم الله. (از غیاث) (از ناظم الاطباء). ما خود از تازی مخفف بسم الله الرحمن الرحيم... || استعانت بنام خدا در خطابه و هرکاری: کل امر ذی بال لم یبداء بسم الله فهو آتبر. || در تداول فقه و تفسیر اختلاف است که بسم الله در اول هر سوره آیه مستقلی است یا از آیات آن سوره است چنانکه صاحب شرایع بسملة را آیه ای از سوره حمد می شمارد و قرائت آن را با سوره حمد واجب میدانند». (همان)

«بسملة، گفتن یا نوشتن «بسم الله» یا «بسم الله الرحمن الرحيم». این مصدر به روش نحت (تراشیدن) از عبارت «بسم الله» ساخته شده است. همانگونه که مصدرهای حیعله، حوئله، هیلله، حمدله و حسبله نیز به این روش یعنی از کنار هم نهادن پاره ای حروف یک عبارت ساخته شده اند. برخی معتقدند که واژه

بسمله در زبان فصیح عرب رایج نبوده است، امالغت شناسان صاحب نظری چون ابن سکت و مطرزی استعمال آن را تأیید کرده اند.

از کاربرد این واژه در دوره پیش از اسلام اطلاعی در دست نیست و احتمالاً برای اولین بار در شعر ابن ابی ربیع ذکر شده است. بسمله در روایات پیامبر و ائمه علیهم السلام به کار نرفته و فقط در روایتی که کفعمی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده به صورت مصدر استفاده شده است. اکنون مسیحیان نیز بسمله را به معنای «بسم الاب والابن و روح القدس» بکار می برند. گذشته از این شواهدی از کاربرد «تسمیه» به جای ذکر بسمله نیز می توان یافت. درباره سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در استفاده از «بسم الله الرحمن الرحیم» روایات مختلفی نقل شده است. به نقل ابن سعد و مسعودی شعبی، اعمش، ابومالک و قتاده روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای بعثت به رسم آن روزگار «بسمک اللهم» بکار می برد. (هوشنگی، لیلا، ۱۳۷۸)

۲-۴-۳- تحمید: [ت] [ع] (مص) مبالغت کردن. (تاج المصادر بیهقی) مبالغه حمد (زوزنی) نیک ستودن. (دهار) نیک ستودن و بی در پی ستایش کردن (غیاث اللغات) (آندراج) نیک سرودن و بی در پی سرودن... (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه تحمید)

تحمیدیه در اصطلاح سخنی است به نظم یا نثر که در آن شاعر یا نویسنده به حمد، نعت و ستایش خداوند یا پیامبر (ص) و اولیای دین می پردازد.

«از نخستین آثار نظم و نثر پارسی تا زمان حاضر، رسم و روش بسیاری از شاعران و نویسندگان و دانشمندان این بوده است که در صدر دیوان و مقدمه کتاب مثنوی یا اثر علمی خویش، شکر و سپاس ایزد متعال را بجای آورده و سخنانی پرورده و شیوادر حمد و تسبیح خدا، به رشته نظم و یاد رسک عبارت کشیده اند. سپس به ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته و با همان کلام متین و مزین به صنایع لفظی، بر بنیان آیات قرآن و مضمون احادیث، در شأن و مقام و منزلت پیامبر داد سخن داده اند. و این حمد گفتن از برای خدا و ادای احترام به پیامبر اسلام، محمد مصطفی (ص) را در صدر نامه ها و خطبه ها «تحمیدیه» گفته اند.» (ستوده، غلامرضا و نجف زاده بار فروش، محمد ۱۳۶۹، پیشگفتار، ص سه)

۲-۴-۴- «مؤخره. [مء خء خء رء] (ع ص، ۱) تأنیث مؤخر. (یادداشت مؤلف) - مؤخره الجیش؛ دنباله، دم لشکر، مقابل مقدمه و مقدمه الجیش، عقب دار، دم دار، (یادداشت مؤلف) - مؤخره الرحل، مؤخر الرحل، دنباله پالان، (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) (لغت نامه دهخدا) «لغت نامه دهخدا، ذیل واژه مؤخره»

۲-۴-۵- «ساختار: (امر). ۱- چگونگی ساختمان چیزی ۲- ترتیب اجزا و بخش های یک جسم» (همان، ذیل واژه مؤخره)

«واژه ساخت از واژه لاتین (**Structura**) و از فعل (**Struere**) به معنی ساختن و بنا کردن گرفته شده است. یک ساختار عبارت است از مجموعه‌هایی از وابستگی‌های درونی که اگر یک واحد (به معنای زبان‌شناختی) در هیچ رابطه وابستگی با دیگر واحد زبانی وارد نشود، ساختار به شمار نمی‌آید. این واژه به مجموعه‌های از مفاهیم معرفتی در حوزه‌های مختلف اطلاق می‌شود، از دانش سیستم‌ها و ارد زبان شده است. در واقع، اساس این اصطلاح به ترتیب از حوزه‌های برخی علوم، همچون مکانیک، زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی گذشته است و در پایان به حوزه زبان‌شناسی و از آنجا به نقد ادبی وارد شده است. از جمله مفاهیم این واژه در علوم مختلف می‌توان به مفهوم «مجموعه: **group**» در ریاضیات که ژان پیازه این مفهوم را کهن‌ترین ساختاری می‌داند که با آن برخورد داشته است و مفهوم «شکل: **Gestalt**» در روانشناسی اشاره کرد (ر. ک؛ لویز و اسکات، ۱۳۸۵، ص ۲۰). زبان‌شناسی نوین و رویکردهای نقدی ساختارگرایانه در ارایه و ساخت این مفاهیم جدید مدیون فردینان دی سوسور است که به جای کاربرد اصطلاح «ساختار: **structure**» عنوان «بافت: **system**» را به کار گرفت. بیشتر پژوهشگران معتقدند که این اقدام سوسور بیشتر به دلیل تمایل وی بر نظام‌مند کردن کاربردهای زبانی صورت گرفته است؛ زیرا پیش از وی زبان‌شناسان دیگری اصطلاح «ساختار: **structure**» را در آثار خویش به کار برده‌اند» (و غلیسی، ۲۰۰۱، ص ۵۳)



اصطلاح ساختار در علوم مختلف به کار رفته و بر اساس هر علم، دارای معنای اصطلاحی خاصی هم می باشد.

## ۲-۴-۶- نثر، سیر تحول آن و دگرگونی در بسمله ها و تحمیدیه ها

دکتر منصور رستگار فسایی در کتاب «انواع نثر فارسی» به نقل از لغت نامه دهخدا نثر را اینگونه تعریف می کند: «نثر در لغت صفتی عربی است به معنای پراکنده، سخن پاشیده و غیر منظوم بر خلاف نظم، و یکی از اقسام دوگانه سخن در مقابل شعر» (رستگار فسایی، منصور، ۱۳۸۰، ص ۴)

در تعریف نثر، دکتر حسین خطیبی می گوید: «کلامی که در آن مفاهیم و معانی با وضوح و روشنی و رسائی و بانظم فکری و منطقی بیان می شود و تنها وظیفه لفظ در آن بیان معنی است. جمل بامراعات موازین دستوری به یکدیگر می پیوندند و معانی بی هیچگونه قطع و انحرافی بیان می شوند و راست و مستقیم پیش می روند. وصل و فصل جمل، بر مبنای توالی افکار و روش طبیعی و قواعد مشخص زبان استوار است» (خطیبی، حسین، ۱۳۹۶، ص ۲۹)

نثر فارسی از زمان پیدایش تاکنون، ادوار مختلفی را گذرانده و فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. بررسی آثار مثنوی فارسی، سبک نگارش، واژگان و اصطلاحات به کار رفته در آنها، نشان از تفاوت ها و تغییرات این دوران طولانی و مدید دارد.

در مقدمه کتاب فرهنگ لغات نثرهای فنی و مصنوع، صفحه پنج، آمده است که: «نثر فارسی، سابقه ای بیش از هزار سال دارد. ادبیات فارسی دری، رسماً از اوایل قرن سوم هجری آغاز شده است؛ اما کهن ترین نثرهای دری موجود متعلق به اواسط و نیمه دوم قرن چهارم هجری است» (مدبری، محمود، ۱۳۷۶، ص پنج)

گذر بیش از هزار سال بر نثر فارسی، هزاران تغییر و تفاوت را در آن بوجود آورده و هزاران سختی و آسانی را با آن همراه کرده است که گاه نوای سادگی و رسایی از آن شنیده می شود و گاه فریاد تصنع و سختی آن، گوش فلک را کر می کند. در دوران هایی هم آهنگ موزون و نوای وزن و سجع، گوش های جان و دل خوانندگان رامی نوازد.

«نیاکان ما در طی قرون متمادی با کوشش و تلاشی فراگیر و پایان ناپذیر، این زبان را که در آغاز لهجه ای بیش نبود؛ به زبانی چنین آراسته و پیراسته و پرمایه و افزون پایه بدل کردند؛ چنانکه اکنون می

تواند در نظم و نثر و در هر شیوه ای از شیوه های کلام و هر مفهومی از مفاهیم سخن، خود را به آسانی از مضایق دشوار لغات و الفاظ برهاند و به ساحت بی کران معانی و مضامین برسد.» (خطیبی، حسین، ۱۳۹۶، ص ۱۸)

گذرایم، ادوار و روزگاران، انواع مختلفی از نثر را در زبان فارسی به وجود آورده و باعث تقسیم بندی هایی در این عرصه شده است. ملاک ها و معیارهای متفاوتی در این زمینه وجود داشته که گاه در آن فقط به اهداف نثر توجه می شده و گاه به روش ها و الفاظ هم توجه می کرده اند.

دکتر محمد تقی بهار (ملک الشعرا) در کتاب سبک شناسی خود، در مبحث انواع نثر پیش از اسلام، نوشته اند که: «نثر بر دو نوع است، یکی نثر ساده است و آن عبارتست از عبارات ساده و آسان که بزبان مردم نوشته شود... نوع دیگر نثر فنی است و آن بیان مطلبی است یا طریزی که نویسندگان در آن امعان نظر و جولان اراده بکار برده و خواسته باشد که از اثر آن طرز و بهمهراهی آن پیام، مطلب خویش را بهتر و کاملتر بپردازد.» (بهار، محمد تقی (ملک الشعرا) ۲۵۳۵، ص ۱۰۳)

دکتر حسین خطیبی در کتاب فن نثر در ادب فارسی در بخش اقسام نثر، بیان می دارند که: «در قرون اولیه هجری، متقدمان از ارباب ادب و بلاغت عرب، نثر را به خطابه و ترسل، تقسیم می کردند و چنانکه پیداست؛ در این تقسیم تنهابه اغراض نثر نگریسته و به اسالیب و الفاظ توجه نداشته اند... در ادوار بعد، بعضی از محققان، به تقسیم نثر از حیث اسالیب و الفاظ نیز پرداخته اند...» (خطیبی، حسین، ۱۳۹۶، صص ۵۲ و ۵۱) ایشان در این کتاب از انواع نثر محاوره، نثر خطابه، نثر مرسل و نثر فنی نام می برند. همچنین دکتر محمود مدبری در مقدمه کتاب فرهنگ لغات نثرهای فنی و مصنوع، بیان می دارند که: «بی شک شیوه نگارش در اعصار گوناگون، متفاوت بوده؛ اما دوشیوه و سبک اصلی در نگارش آثار قابل ذکر است: یکی ساده و مرسل یا سلیس و روان و دیگری فنی و مزین. در کنار این دوشیوه اصلی، فروع و زیرمجموعه های متعددی هم مشاهده شده است؛ همچون: نثر ذوقی، نثر علمی، نثر عامیانه و محاوره ای، نثر روزنامه ای، نثر متکلف و مصنوع، نثر مسجع (مسجع ساده، مسجع فنی و مصنوع) و نثر التقاطی.» (مدبری، محمود، ۱۳۷۶، ص پنج)

حال بر اساس تحولات و تغییراتی که در ادوار مختلف در حیطه نثر فارسی به وجود آمده؛ دیباچه های کتب هم که بسمله و تحمید، بخش هایی از آن است دچار تغییر و دگرگونی شده اند و با توجه به نویسنده و مقام علمی و ادبی اش و تسلط سبکی خاص در دوره نویسندگی او، دیباچه های متفاوتی هم خلق و ابداع و نگاشته شده اند. «تقریباً تا آغاز قرن چهاردهم هجری قمری این نوع دیباچه نگاری متداول بوده و در قرن چهاردهم، مقدمه نویسی معمول شده...» (سجادی، سیدضیاءالدین، ۱۳۷۲، ص ۱۱)

### ۳- بحث و بررسی

در این پژوهش، ساختار بسمله ها از سه جنبه مورد بررسی قرار می گیرند: ۱- آغازگری و شروع (مقدمه) ۲- تحمید (بدنه) ۳- مؤخره و بستر نهایی (نتیجه گیری)

#### ۳-۱- آغازگری یا شروع (بسمله)

منظور از آغازگری یا شروع، همان شروع بانام خداوند و گفتن بسم الله الرحمن الرحيم ... است. بسمله های مورد بررسی از لحاظ شروع بانام خداوند به دو گروه عمده تقسیم می شوند.

۳-۱-۱- بسمله هایی هستند که در ابتدای آنها از الفاظی چون: بسم الله الرحمن الرحيم، بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعین، ذکر آیه/آیاتی از قرآن که مبتنی بر شروع بانام خداوند باشد؛ استفاده شده است. این نوع از بسمله ها بیشترین درصد از کل بسمله ها را به خود اختصاص داده اند.

ذکر نمونه هایی از این گروه:

شروع و آغازگری در تاریخ جهانگشا:

بسم الله الرحمن الرحيم...

شروع و آغازگری در فارسنامه ابن بلخی:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعین...

شروع و آغازگری در جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان):

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ. فَلَا عُدْوَانَ اِلَّا عَلٰی الظَّالِمِیْنَ...

شروع و آغازگری در جذوات و مواقیت:

بسم الله الرحمن الرحيم و الثقة بالعزیز العلیم...

شروع و آغازگری در روضه التسلیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ مَفْتَحُ الْأَبْوَابِ، رَبِّ يَسِّرْ وَلَا تَعَسِّرْ...

شروع و آغازگری در مجموعه رسایل فیض (ترجمه الصلاة):

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هرکه نه گویا به تو خاموش به هرچه نه یاد تو فراموش به...

شروع و آغازگری در ینبوع الأسرار فی نصائح الأبرار:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ رَبِّ وَفَقِنِي لِلتَّيْمِيمِ...

شروع و آغازگری در اختیارات مظفری:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ...

شروع و آغازگری در آغاز و انجام:

رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ  
لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ...

شروع و آغازگری در سفرنامه ایران و روس:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ...

شروع و آغازگری در عبققات الأنوار فی إمامه الأئمة الأطهار:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ، اِنَّ خَيْرَ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ...

۳-۱-۲- به ندرت بسمله هایی وجود دارد که نویسنده، بدون آغازگری، وارد بحث تحمیدیه و ستایش خداوند شده است و در ابتدای دیباچه خود از الفاظ بسم الله الرحمن الرحيم و امثال آن و یا ترجمه و... استفاده نکرده یعنی آغازگری را از بسمله خود حذف نموده است.

در این نوع بسمله ها- چنان که در ذیل، مثال هایی زده خواهد شد- گاه نویسنده بیت/ ابیاتی را به جای الفاظ شروع آورده اما چون محتوای آنها حمد و ستایش است نه آغازگری، بهتر است جزء تحمیدیه

به حساب آیند و شاید در اثر گذشت زمان، آغازگری از ابتدای آنها حذف شده باشد. در هر صورت، نمونه هایی از این نوع، دیده می شود ولی درصد آنها بسیار کم است.

ذکر نمونه هایی از این گروه:

در کتاب جواهر الأخبار، بخش آغاز کتاب، به نام خدا در [گذاشته شده که مشخص است توسط مصحح به اول تحمیدیه اضافه شده است پس لفظ آغازگری ندارد.

«[به نام خدا] آغاز کلام سپاس خداوندی را که دارنده کون و مکان است، و انجام مهام ستایش آفریننده زمین و زمان و داندۀ آشکار و نهان است، که طلعت سلاطین عالم از آفتاب عنایت او فروغ یافت، و سیمای اساطین بنی آدم از پرتو ماه موهبت او نورانی گشت. هر ذره از ذرات کاینات بر قدرت و کمال او دلیلی ظاهر، و هر فرد از افراد موجودات بر وحدانیت و جلال او برهانی باهر...» (منشی قزوینی، بوداق، ۱۳۷۸ش، ص ۵۵)

ظهیری نیشابوری کتاب خود را با «سپاس و ستایش مرخدا ایرا...» شروع می کند بدون اینکه از الفاظ شروع استفاده کند.

«سپاس و ستایش مر خدا ایرا جل جلاله و تقدس اسمائه که موصوفست ذات بزرگوار او ببقاء قدم و منزله است صفات او از نقص حدوث و عدم موجد کارخانه ای که سقف آن عرش افلاکست و صانع الوانی که فرش و طرح آن بساط خاک آن خداوندی که نیست و هست ایجاد و آثار صنع قدرت او است...» (ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین، ۱۳۳۲ش، ص ۹)

احمد بن حسین منشی قمی، دیباچه کتاب خلاصه التواریخ خود را بادوبیت شعر، آغاز کرده؛ از آن جا که ابیات به توصیف و مدح خداوند پرداخته اند جزء تحمیدیه حساب می آیند.

ای ملک تو ملک دل ارباب یقین در ملک توشاهان جهان خاک نشین  
بر خاک اگر نسیم لطف تو وزد خیزد ز پی سلطنت روی زمین» (منشی قمی، احمد بن حسین، ۱۳۸۳ش، ص ۱)

دیباچه کتاب جغرافیای حافظ ابرو هم با تحمید و ستایش خداوند بلندمرتبه شروع شده و الفاظ آغازگری ندارد.

«سپاس بی‌قیاس مالک الملکی را که بیافرید آسمانها و مزین گردانید آن را به ماه و آفتاب و دیگر کواکب؛ و بیافرید زمین را و بیاراست مر آن را به مردم و دیگر مخلوقات تا بندگان خاص از نظر و تفکر در آن، توانایی و قدرت حق [سبحانه و تعالی] مشاهده نمودند و حقیقت بندگی و بیچارگی و عجز و ناتوانی خود معلوم کردند» (حافظ ابرو، عبد الله بن لطف الله، ۱۳۷۵ش، ص ۴۵)

اسماء الأودیة از محمد اعظم خان ناظم جهان، با تحمیدیه آغاز می شود نه الفاظ آغازگری.

«ازهار حمد و سپاس نثار بارگاه خالق که در حشاکش و اشجار منافع بی شمار تعبیه فرمود و نعت انوار و صلوة ایثار جناب حاذقی که ابدان علیله را باستعمال ادویه ارشاد نمود علیه و علی آله و اصحابه التحیه و السلام الی یوم القیام» (ناظم جهان، محمد اعظم، ۱۳۸۷ش، ص ۲۹)

احمدخان دهلوی، دیباچه رساله تحقیق البحران را با عبارات «حمد بیحد...» آغاز کرده و بدون الفاظ آغازگری به تحمید پرداخته است.

«حمد بیحد و ثناء بی عدد لایق احدیت که بتسخیر او طبیعه انسانی بمصالح بدنی در ساخته و بمقاومت امراض و دفع اعراض پرداخته، و درود نامحدود سزاوار برگزیده که بحکم او مجهله کفر و اسلام انفصال یافته و دین متین او نفوس صالح را برآسته صراط مستقیم انداخته و آل اطهار او که نجوم فلک هدایت اند و بروج دائیره امامت» (دهلوی، احمدخان، ۱۳۸۳ش، ص ۱)

علاءالدوله سمنانی شش مصنف از مصنفات فارسی خود را «آداب السُفرة- فرحة العاملین و فرجة الکاملین- شرح حدیث ارواح المؤمنین- بیان الإحسان لأهل العرفان- فتح المبین لأهل الیقین- نوریه» با تحمیدباری تعالی شروع کرده است نه با الفاظ آغازگری.

خوان إخوان ناصر خسرو هم با تحمیدیه شروع شده است و الفاظ آغازگری در ابتدا ندارد.

«سپاس مر پدیدآورنده چیز را نه از چیز پیش از مکان و زمان، و آفریننده از آن چیز سرمایه جهان را، که اوست خداوند زمان و مکان...» (ناصر خسرو قبادیانی، ۱۳۸۴ش، ص ۱)

بخش دوم مورد بررسی این پژوهش که با عنوان تحمیدیه یابنده بسمله، از آن نام برده می شود. تحمید خداوند تبارک و تعالی است. گرچه محتوای همه آنها در باب خداوند و حمد اوست اما باروش ها، جملات، اصطلاحات، الفاظ، اوصاف و اسامی مختلف، ذکر می شوند که بررسی این موارد، به تنهایی مقاله ای دیگر و مبحثی جداگانه می طلبد.

سیرو تحول ادبی در دوران مختلف بر متن تحمیدیه ها تأثیر فراوان داشته است. بانگهای گذرا به تحمیدیه ها متوجه دگرگونی آنها در قرون مختلف خواهیم شد. نخستین آثار فارسی، تحمیدیه آنها عباراتی کوتاه و اغلب واژه هایی فارسی دارند اما کم کم طولانی تر و دشوارتر می شوند و به عرصه خودنمایی و اظهار برتری در نویسندگی، تبدیل خواهند شد.

از آن جاکه در این پژوهش، فقط به بحث وجودی عدم وجود تحمیدیه در دیباچه ها پرداخته می شود سخن از محتوا، مضمون، واژگان، اصطلاحات و... به میان نیامده و در باب آنها بررسی ای صورت نگرفته است.

در این بخش از لحاظ وجودی عدم وجود و حجم مطالب بیان شده تحمیدیه ها مورد بررسی قرار گرفته و به دو گروه عمده تقسیم می شوند.

۱-۲-۳- آن هایی که تحمیدیه هایی کوتاه هستند و حتی گاه در قالب یک سطر خلاصه شده اند.

ذکر نمونه هایی از این گروه:

اسماء الأودیة ناظم جهان، دارای الفاظ آغازگری نیست و تحمید آن فقط همین مقدار است.

«ازهار حمد و سپاس نثار بارگاه خالق که در حشاکش و اشجار، منافع بی شمار تعبیه فرمود» (ناظم

جهان، محمد اعظم، ش ۱۳۸۷، ص ۲۹)

آغاز و انجام، اثر خواجه نصیر الدین طوسی با تحمیدی بسیار کوتاه، شروع می شود.

«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ

النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

سپاس آفریدگاری را که آغاز همه از اوست و انجام همه بدوست، بلکه خود همه اوست» (خواجه

نصیر الدین طوسی، ۱۳۷۴، ش ۱، ص ۱)

رساله تحقیق البحران از احمدخان دهلوی، بدون داشتن الفاظ آغازگری، تحمیدیه ای کمی بیش از یک سطر دارد.

«حمد بیحد و ثناء بی عدد لایق احدیت که بتسخیر او طبیعه انسانی بمصالح بدنی در ساخته و بمقاومت امراض و دفع اعراض پرداخته» (دهلوی، احمدخان، ۱۳۸۳ش، ص ۱) در فارسانه ابن بلخی هم تحمیدیه ای کوتاه نوشته شده است.

«سپاس و آفرین مر خدای را، که بدایع صنع او را غایت نیست و هستی او را بدایت و نهایت نیست، آفریننده زمین و زمان و صانع کون و مکان و برگزیننده آدمیان بر انواع حیوان بدانچ ایشان را ارزانی داشت از فضیلت نطق و بیان، تا به چشم خرد، در آفریده‌ها نگرد و بر هستی آفریدگار گواهی دهد، رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا، سُبْحَانَكَ، فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (ابن بلخی، ۱۳۷۴ش، ص ۴۴) تحمیدیه کتاب اختیارات مظفری، هرچند کمی طولانی تر از موارد ذکر شده است اما باز هم آن چنان طولانی به نظر نمی آید.

«سپاس و ستایش بی قیاس و مدح و حمد بی حد و عدد، لایق حضرت عزت صانعی باشد که حقه این شقه مینا را به درر غرر کواکب ثواقب و جواهر زواهر سیارات و ثوابت، مرصع گردانید؛ حکیمی که نیام تیغ انتقام عمل در قبضه زحل، نهاد؛ علیمی که مشتری را در مسند سیادت قباب سعادت در پوشانید؛ قاهری که مریخ را در خطه پنجم، شحنة انجم گردانید؛ قادری که به قرص زر اندود آفتاب که به منزلت حدقه کل آفرینش است شیب و بالای عالم مجازی را منور کرد؛ لطیفی که ارغنون فنون در کنار زهره شهره نهاد تا ماه، قلندری از نعمات آن دراعه نور خرجه کرد؛ مدبری که کلک تدبیر به دست تیر که دبیر کشور دوم است داد؛ مقدری که مواکب کواکب را در زین زرین پروین، کشید؛ پادشاهی که معبد قدرتش، هفت کعبتین زرانود در این طاس کبود، غلتان کرد و چندین هزار مهره بلور در دوازده خانه این رقعہ کحلی گردان تا به واسطه تأثیر این حرکات مهندس حکمتش، مهره اعمار و آجال کاینات عالم، گاه در گشایش حدوث و وجود، متحرک کرد و گاه، در



مششدر اجل و عدم، ساکن ألا له الخلق و الأمرُ تبارک الله رب العالمین» (قطب‌الدین شیرازی، بی تا، ص ۱)

علاءالدوله سمنانی در مصنفات فارسی خود در رساله شرح حدیث ارواح المؤمنین، تحمیدیه ای می آورد که از نظر حجم، حتی به یک خط هم نمی رسد.

«سپاس بسیار و ستایش بیشمار آفریدگار مفردات و پروردگار مرکبات را» (علاء الدوله سمنانی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۷۷)

۳-۲-۲- تحمیدیه های طولانی که حجم آنها گاه به چندین صفحه هم می رسد. در این نوع از تحمیدیه ها نویسنده، ادیب بودن خود و تسلطش را بر نویسندگی و فنون آن، به رخ می کشد. در آن هامی توان حتی جنبه های علمی نویسنده و تخصصش را در زمینه های علمی گوناگون، مشاهده کرد. نویسنده با طولانی کردن تحمید، سعی در ابراز توانائی سخنوری و نویسندگی خود دارد.

از آنجاکه ذکر نمونه هایی هر چند محدود از این نوع، به اطلاع کلام و دلزدگی خواهد انجامید و مثر مثر هم نخواهد بود؛ فقط به ذکر نام چند مورد از آن ها اکتفا و بسنده خواهد شد.

\_ فتح نامه سناذ علی بن حامد کوفی حدود یک صفحه

\_ بستان السیاحه از زین العابدین بن اسکندر شیروانی، بیش از یک صفحه

\_ ترجمه الصلاة از مجموعه رسایل فیض، متعلق به ملامحسن فیض کاشانی، بیش از دو صفحه

\_ راحة الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق از محمد بن علی راوندی، بیش از چهار صفحه

\_ اساس التوحید از مهدی آشتیانی، بیش از پنج صفحه

\_ دره نادره از محمد مهدی بن محمد نصیر استرآبادی، بیش از ده صفحه

۳-۳- مؤخره یا بستر نهایی

رسم بر این بوده است که نویسنده یا شاعر، پس از آنکه مطالب مورد نظر را و مطالبی که باید در دیباچه ها گفته شوند؛ بیان کرد در بخش پایانی دیباچه به ختم کلام خود می پردازد یعنی کلام را با ذکر ابیاتی چند، آیاتی از قرآن، حدیث یا احادیثی از ائمه، سخن یا سخنانی از بزرگان و خلاصه کلامی که پایان دهنده باشد به پایان می برد که می توان به آن مؤخره یا بستر نهایی و یا حتی جمع بندی و نتیجه گیری دیباچه گفت. نویسنده یا شاعر، سعی می کند بهترین الفاظ و کلام را در این بخش به کار برد همان طور که

شروع، تأثیرگذار و زیبایی برانگیز است ختم کلام هم ماندگار و لذت آوری باشد پس باید از بهترین هادراین جایگاه استفاده کرد.

از آن جاکه این پژوهش، فقط به بررسی آغازگری و تحمیدیه دیباچه ها پرداخته است؛ به مؤخره چندانی برخوردار نمی کند چون هنوز کلام به جایگاه مؤخره و ختم نرسیده است اما باز هم بسمله هایی دیده می شود که مؤخره گونه هایی برای پایان دادن به حمد و ستایش الهی و ورود به نعت پیامبر (ص) در آنها وجود دارد یعنی مواردی در پایان حمد و ستایش باری تعالی، ذکر شده است که به صورت کلی به تمام مبحث تحمیدیه اشاره کرده و به نوعی تکمیل کنندگی و ختم انگیز تحمیدیه حساب آمده، رابطی بین تحمیدیه و شروع بحث بعد خواهند بود. کاربرد چنین مواردی در پایان تحمیدیه های مورد بررسی، کم است اما مواردی وجود دارد که با کمی مسامحه و سهل گیری، می توان آن را از تحمیدیه جدا به حساب آورد و نوعی مؤخره و ختم کلام دانست بر مبحث تحمید باری تعالی و شروع بحث بعدی دیباچه.

ذکر نمونه هایی از این موارد:

مؤخره تاریخ مبارک شاهی:

«و قال علیه السلام اللّٰین و الملک توأمان» (سرهندی، یحیی بن احمد، ۱۳۸۲ ش، ص ۱)

مؤخره مناقب العارفین:

«تبارک من أجری الامور بحکمہ کما شاء لا ظلما اراد و لاهضما» (احمد بن اخی ناطور افلاکی،

۱۹۵۹ م، ص ۳)

مؤخره لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه:

«سست جولان ز عزذاتش و هم تنگ میدان ز کنه و صفش فهم

پاک ز آنها که غافلان گفتند پاک تر ز آن چه عاقلان گفتند» (مجلسی، محمد تقی بن

مقصود علی، ۱۴۱۴ ق، ص ۶)

مؤخره شرح بیست باب نام در معرفت تقویم تام:

«فلک رقعہ کلک تقدیر اوست زمین بقعہ ملک تسخیر اوست

به هستی او برگشاد است لب سفیدی روز و سیاهی شب

تحریرت فی وصف الآئنه و قصرت فی شکر نعمائه-». (گنابادی، مظفر بن محمد قاسم، ص ۱)

### نتیجه گیری

بررسی های به عمل آمده بر روی ساختار بسمله و تحمیدیه های انتخابی، نشان داد که از لحاظ داشتن یا نداشتن بسمله و آغازگری (مقدمه)، تحمیدیه (بدنه) و بستر نهایی (مؤخره) به پنج نوع کلی تقسیم می شوند.

الف مواردی که دارای آغازگری، تحمید و مؤخره هستند. این گروه بیشترین نوع از موارد انتخابی را به خود اختصاص داده اند؛ حجم زیادی از آنها را در بر می گیرند و در ضمن کامل ترین نوع هم به حساب می آیند. نویسنده بانام و یاد خداوند، مطلب خود را شروع می کند؛ به حمد و ستایش پروردگار عالم می پردازد و پس از ذکر ختم گونه ای بر سخن خود، وارد بحث نعت و ستایش پیامبر (ص) شده و به ادامه مطلب می پردازد.

نوع ساختار	نام اثر
دارای آغازگری، تحمید و مؤخره	<p>فارسانامه ابن بلخی مناقب العارفين احمد بن اخی ناطور افلاکی تاریخ جهانگشای جوینی تاریخ مبارک شاهی از یحیی بن احمد سر هندی اکبر نامه از ابوالفضل بن مبارک علامی مسخر البلاد: «تاریخ شیبانیان» از محمد یار بن عرب قطغان فتحنامه سند (چچ نامه) از علی بن حامد کوفی شرح بیست باب نام در معرفت تقویم تام از مظفر بن محمد قاسم گنابادی لوامع صاحبقرانی المشتبه بشرح الفقیه از محمد تقی بن مقصود علی مجلسی تهلیلیه از محقق دوانی مجمع التواریخ از محمد خلیل بن داود مرعشی صفوی مجموعه رسائل فیض (ترجمه الصلاة) از ملا محسن فیض کاشانی جدوات و موافقت از محمد باقر بن محمد میر داماد عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار از میر سید حامد حسین</p>

ب : درصد قابل توجهی از موارد انتخابی، آنهایی هستند که دارای آغازگری و تحمید می باشند یعنی نویسنده، دیباچه اثر خود را بانام خداوند، شروع کرده و سپس به ستایش و حمد پروردگار پرداخته است و بدون بیان ختم کلام به بحث نعت پیامبر (ص) وارد می شود. از آنجاکه هنوز کلام به جایگاه ختم

نرسیده و دیباچه ادامه دارد؛ شاید درست تر و به جاتر هم همین باشد که در این جایگاه به ختم کلام نپردازد و آن را ادامه دار کند.

نوع ساختار	نام اثر
دارای آغازگری و تحمید	فرخ نامه از مطهر بن محمد جمالی یزدی آغاز و انجام از خواجه نصیرالدین طوسی اوصاف الاشراف از خواجه نصیرالدین طوسی تاریخ قاجار، حقایق الاخبار ناصری از محمد جعفر بن محمد علی خورموجی راحة الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق از محمد بن علی راوندی دلایل السداد در قواعد فقه و اجتهاد از محمد سنگلجی بستان السیاحه از زین العابدین بن اسکندر شیروانی آثار عجم از محمد نصیر بن جعفر فرصت شیرازی اختیارات مظفری از محمود بن مسعود قطب الدین شیرازی ینبوع الأسرار فی نصائح الأبرار از کمال الدین حسین خوارزمی یک دوره فقه کامل فارسی از محمد تقی بن مقصود علی مجلسی حدیقه الشیعه از مقدس اردبیلی مفتاح بیست باب از مولی محمد کیا، جرجانی (گرگانی) تاریخ بخارا از محمد بن جعفر نریشخی

ج: تعدادی هم وجود دارند که دارای الفاظ آغازگری نیستند. نویسنده، مستقیم وارد تحمید و ستایش خداوند تبارک و تعالی شده و پس از پرداختن به آن و ایراد سخن در این زمینه، ختمی هم بر سخن خود می آورد و در پی ادامه دیباچه می شود.

نوع ساختار	نام اثر
دارای تحمید و مؤخره	جغرافیای حافظ ابرو از عبدالله بن لطف الله حافظ ابرو شرح نظم الدر (شرح قصیده تائیه ابن فارض) از صائین الدین علی بن ترکه خلاصه التواریخ از احمد بن حسین منشی قمی

د: آثاری هم وجود دارند که در ابتدای آنها دیباچه ای با نظم و ترتیب معمول وجود ندارد. نویسنده فقط به آغازگری و شروع بانام و یاد خداوند، اکتفا کرده و بدون پرداختن به تحمید و مؤخره، سراغ ادامه مباحث دیباچه رفته است. مثلاً به معرفی نویسنده، اثر و سبب تألیف آن پرداخته و یا حتی مستقیماً وارد مباحث کتاب خود شده است.

## ساختار بسمله و تحمیدیه دیباچه های برخی کتب تاریخی مثنوی فارسی .....

نوع ساختار	نام اثر
فقط دارای آغازگری	تاریخ سند معروف به تاریخ معصومی از محمد معصوم بکری سفرنامه روسیه از عزالدوله عبدالصمد میرزا روضه التسلیم از محمد بن محمد نصیرالدین طوسی

ه: به ندرت مواردی وجود دارد که نویسنده، بدون آغازگری، وارد بحث تحمیدیه و ستایش خداوند شده است. در ابتدای دیباچه خود از الفاظ بسم الله الرحمن الرحیم و امثال یا ترجمه آن و... استفاده نکرده یعنی آغازگری و همچنین مؤخره را از بسمله خود حذف نموده است. در این نوع بسمله هاگاه نویسنده بیت/ابیاتی را به جای الفاظ شروع آورده اما چون محتوای آنها حمد و ستایش است نه آغازگری، بهتر است جزء تحمیدیه به حساب آیند و شاید در اثر گذشت زمان، آغازگری از ابتدای آنها حذف شده باشد.

نوع ساختار	نام اثر
فقط دارای تحمید	رساله تحقیق البحران از احمد خان دهلوی مجمع الأنساب از محمد بن علی شبانکاره ای سلجوقنامه از ظهیری نیشابوری مصنفات فارسی سمنانی (آداب السُفره) از علاء الدوله سمنانی ----- (بیان الإحسان لأهل العرفان) ----- (شرح حدیث ارواح المؤمنین) ----- (فرحة العالمین و فرجة الکاملین) ----- (نوریه) جواهر الأخبار از منشی قزوینی خوان الإخوان از ناصر خسرو قبادیانی أسماء الأدویة از محمد اعظم ناظم جهان

## منابع

### کتب

- (۱) ابن بلخی، فارسنامه ابن بلخی، بنیاد فارس شناسی، شیراز، ۱۳۷۴ ه.ش.
- (۲) احمد بن اخی ناطور افلاکی، مناقب العارفين، [بی نا]، آنکارا، چاپ اول، ۱۹۵۹م

- ۳) بکری، محمد معصوم، تاریخ سند معروف به تاریخ معصومی، اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ش
- ۴) بهار، محمد تقی (ملک الشعرا) سبک شناسی، سپهر، تهران، جلد اول، چاپ چهارم، ۲۵۳۵
- ۵) جمالی یزدی، مطهر بن محمد، فرخ نامه، امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ش
- ۶) جوینی، عطاء ملک بن محمد، تاریخ جهانگشای، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۸۵ش
- ۷) حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، جغرافیای حافظ ابرو، میراث مکتوب، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ش
- ۸) خطیبی، دکتر حسین، فن نثر در ادب فارسی، چاپ پنجم، انتشارات زوار، تهران ۱۳۹۶ش
- ۹) خورموجی، محمد جعفر بن محمد علی، تاریخ قاجار، حقایق الاخبار ناصری، زوآر، تهران، ۱۳۴۴ش
- ۱۰) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا بر اساس نسخه فیزیکی ۱۵ جلدی انتشار سال ۱۳۷۷ش
- ۱۱) دهلوی، احمد خان، رساله تحقیق البحران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳ش
- ۱۲) راوندی، محمد بن علی، راحة الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ش
- ۱۳) رستگار فسایی، منصور، انواع نثر فارسی، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ش
- ۱۴) رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۷ش
- ۱۵) ستوده، غلامرضا، تحمیدیه در ادب فارسی، جهاد دانشگاهی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹ش
- ۱۶) سجادی، سید ضیاء الدین، دیباچه نگاری در ده قرن، چاپ اول، زوآر، تهران، ۱۳۷۲ش
- ۱۷) سرهندی، یحیی بن احمد، تاریخ مبارک شاهی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۲ش
- ۱۸) سنگلجی، محمد، دلایل السداد در قواعد فقه و اجتهاد، مطبوعه مجلس، تهران، ۱۳۵۳ش

- ۱۹) شبانکاره ای، محمد بن علی، مجمع الأنساب، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۱ش
- ۲۰) شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، بستان السیاحه، سنایی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ش
- ۲۱) صائن الدین علی بن ترکه، شرح نظم الدر (شرح قصیده تائیه ابن فارض)، میراث مکتوب، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش
- ۲۲) ظهیری نیشابوری، ظهیر الدین، سلجوقنامه، کلاله خاور، تهران، ۱۳۳۲ش
- ۲۳) عزالدوله عبدالصمد میرزا، سفرنامه روسیه، دنیای کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ش
- ۲۴) علاءالدوله سمنانی، مصنفات فارسی سمنانی (آداب السُفَره)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش
- ۲۵) ---- (بیان الإحسان لأهل العرفان)، ----
- ۲۶) ---- شرح حدیث ارواح المؤمنین، ----
- ۲۷) ---- (فرحة العالمین و فرجة الکاملین)، ----
- ۲۸) ---- (نوریه)، ----
- ۲۹) علامی، ابوالفضل بن مبارک، اکبرنامه، منشی نولکشور، هند، ۱۹۱۳م
- ۳۰) فرصت شیرازی، محمد نصیر بن جعفر، آثار عجم، امیر کبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش
- ۳۱) قطب الدین شیرازی، محمود بن مسعود، اختیارات مظفری، چاپ اول، بی تا
- ۳۲) قطغان، محمد یار بن عرب، مسخر البلاد: «تاریخ شیبانیان»، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۵ش
- ۳۳) کمال الدین حسین خوارزمی، ینبوع الأسرار فی نصائح الأبرار، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش
- ۳۴) کوفی، علی بن حامد، فتحنامه سند (چیچ نامه)، اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش
- ۳۵) گردیزی، عبدالحی بن ضحاک، زین الأخبار، کتاب خانه ادب، تهران، ۱۳۱۵ش
- ۳۶) گنابادی، مظفر بن محمد قاسم، شرح بیست باب نام در معرفت تقویم تام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم، ۱۳۹۴ش
- ۳۷) مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۴ق

- ۳۸) -----، یک دوره فقه کامل فارسی، فراهانی، تهران، ۱۴۰۰ق
- ۳۹) محقق دوانی، تهلیلیه، کیهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ش
- ۴۰) مدبری، محمود، فرهنگ لغات نثرهای فنی و مصنوع، خدمات فرهنگی، کرمان، چاپ اول، ۱۳۷۶ش
- ۴۱) مرعشی صفوی، محمدخلیل بن داود، مجمع التواریخ، طهوری، تهران، ۱۳۶۲ش
- ۴۲) مقدس اردبیلی، حدیقه الشیعه، انصاریان، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۳ش
- ۴۳) ملا محسن فیض کاشانی، مجموعه رسائل فیض، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷ش
- ۴۴) منشی قزوینی، بوداق، جواهر الأخبار، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۸ش
- ۴۵) منشی قمی، احمد بن حسین، خلاصه التواریخ، مؤسسه انتشارات و چاپ، تهران، ۱۳۸۳ش
- ۴۶) مولی محمدکیاء جرجانی (گرگانی)، مفتاح بیست باب، بنیادشکوهی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷ش
- ۴۷) میرداماد، محمدباقر بن محمد، جذوات و مواقیت، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۰ش
- ۴۸) میرسیدحامد حسین، عباقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار، مؤسسه نشر نفائس مخطوطات، اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش
- ۴۹) ناصر خسرو قبادیانی، خوان الإخوان، اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش
- ۵۰) ناظم جهان، محمد اعظم، أسماء الأدویة، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷ش
- ۵۱) نرشخی، محمد بن جعفر، تاریخ بخارا، توس، تهران، ۱۳۶۳ش
- ۵۲) نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، روضه التسلیم، جامی، تهران، ۱۳۶۳ش
- ۵۳) -----، اوصاف الاشراف، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش



- ۵۴) -----، آغاز و انجام، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش
- ۵۵) و غلیسی، یوسف، مصطلحات التقدیة فی دراسات العربی الحدیث، المؤسسة الوطنیة للفنون المطبعیة، الجزائر، ۲۰۰۲م.
- ۵۶) مقالات
- ۵۷) پورجوادی، نصرالله، دیباچه: مجلس انس نویسنده و خواننده نگاهی به دیباچه های کشف المحجوب هجویری و جامع الحکمتین ناصر خسرو، آینه میراث، دوره جدید، س دوم، ش چهارم ۱۳۸۳، ۱۴۰-۱۲۳
- ۵۸) رشتیانی، گودرز، دیباچه نویسی متون تاریخی افشاریه، تداوم و تحول در یک سنت تاریخی، دو فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)، سال بیست و یکم، دوره جدید، ۸ (پیاپی ۹۰)، ۱۳۹۰، صص ۶۱-۳۷
- ۵۹) هوشنگی، لیلیا، بسمله، نشریه دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۸، شماره ۳، از ۲۶ تا ۴۳۰ (۶۰-۳-۵-نرم افزارها
- ۶۱) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار تاریخ ایران اسلامی نسخه ۲، ۸-۰۲۲۰۲-۰۲۲۰۲-۰۶۴۴۵۶، ۱۳۹۷/۴/۱۷، قم
- ۶۲) ----، نرم افزار جامع فقه نسخه ۳، ۸-۰۲۲۰۲-۰۷۳۱۵۰، ۱۳۹۸/۱۱/۱، قم
- ۶۳) ----، نرم افزار جغرافیای جهان اسلام ۲، ۸-۰۲۲۰۲-۰۴۷۵۰۵، ۱۳۹۴/۲/۷، قم
- ۶۴) ----، نرم افزار حکمت اسلامی نسخه ۲، ۸-۰۲۲۰۲-۰۶۵۶۴۹، ۱۳۹۷/۷/۱۶، قم
- ۶۵) ----، نرم افزار عرفان ۳، ۸-۰۲۲۰۲-۰۳۵۵۰۴، ۱۳۹۲/۷/۲۹، قم
- ۶۶) ----، نرم افزار کتابخانه جامع طب سنتی و اسلامی نسخه ۱/۵، ۸-۰۲۲۰۲-۰۴۵۸۵۰، ۸-۰۲۲۰۲-۰۱۳۹۴/۴/۷، قم
- ۶۷) ----، نرم افزار کتابخانه کلام اسلامی ۱/۲، ۸-۰۲۲۰۲-۰۱۸۱۸۰، ۱۳۹۳/۷/۲۶، قم
- ۶۸) ----، نرم افزار نجوم در اسلام و ایران ۱، ۸-۰۲۲۰۲-۰۴۷۷۱۰، ۱۳۹۴/۲/۳۰، قم

